

مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران

سمیه بخشنده زحمتی¹، شاپور بهیان²، منصور حقیقتیان³

تاریخ دریافت: 98/05/10

تاریخ پذیرش: 98/07/21

از صفحه 115 تا 140

پژوهشی نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم،
شماره اول (پیاپی چهل و نهم)، بهار 1399

چکیده

مقدمه: امروزه با توجه به رواج ناامنی‌های اجتماعی در شهرها، مطالعه موضوع امنیت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن، به‌ویژه در بین زنان، از اهمیت شایانی برخوردار است. با توجه به اهمیت احساس امنیت در بین زنان، این پژوهش به دنبال بررسی احساس امنیت و تعیین عوامل مؤثر بر آن می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر از نوع تحقیقات پیمایشی است که به صورت مقطعی در بین زنان شهر تهران انجام شد. جمعیت مورد مطالعه 800 نفر از زنان ساکن در مناطق مختلف شهر تهران (مناطق 1، 2، 3، 4، 5، 6، 7، 8، 15، 16، 17، 18، 19، 20 و 22) بود که به‌وسیله فن نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و از آنان درخواست شد که پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کنند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های t گروه‌های مستقل، همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که احساس امنیت زنان در کل و در چهار بعد ذکر شده در مناطق شمالی شهر بیشتر از زنان مناطق جنوبی در شهر تهران بود. همچنین، بین شرایط اقتصادی، عملکرد دستگاه‌های امنیتی، شبکه روابط اجتماعی، فقدان سرپرست، سن، وضعیت تأهل و وضعیت اقتصادی رابطه معنادار وجود داشته، ولی وضعیت اشتغال زنان و میزان تحصیلات آنان با احساس امنیت رابطه معناداری نشان نداد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که امنیت زنان در شهر تهران از وضعیت بهینه‌ای برخوردار نیست و این نتایج با نظریات جامعه‌شناسی انطباق دارد؛ بنابراین، فضای شهری و عوامل افزایش‌دهنده و عوامل کاهش‌دهنده امنیت و تهدیدات آنها بر نحوه نگرش زنان بر مقوله امنیت اثر قابل توجهی دارند؛ بنابراین، برای ایجاد تغییرات در احساس امنیت زنان، باید راهبردهای متفاوتی از سوی مسئولین و متولیان امنیت در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: امنیت، احساس امنیت، زنان، مناطق، شهر تهران.

1- دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، گروه علوم اجتماعی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول): so.bakhshandeh@gmail.com

2 - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، گروه علوم اجتماعی، دهقان، ایران.

3 - دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، گروه علوم اجتماعی، دهقان، ایران.



مقدمه

ارتباط و تعامل انسانی در یک زیست جمعی به‌طور کلی، در چهار حوزه اصلی زندگی صورت می‌گیرد که ایجاد و تداوم این چهار حوزه موجب تداوم زندگی بشری می‌شود؛ در اقتصاد، منابع مادی و زیستی و نحوه تولید آنها برای برآوردن نیازهای اساسی؛ در اجتماع، عناصر اجتماعی و شیوه‌های استمرار آن برای ادامه زندگی اشتراکی؛ در سیاست، واحدها و عناصر دولتی و نظامی برای ایجاد نظم، دفاع، امنیت و کنترل جامعه؛ در فرهنگ، عناصر فرهنگی و ارزشی و نحوه تعریف پدیده‌های اجتماعی و ارزیابی آنها برای حفظ، تقویت و تداوم باورها، زندگی انسانها را تحت شعاع خود قرار داده‌اند. امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود، به‌طوری‌که با زوال آن، آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد. احساس ناامنی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع معاصر، به‌ویژه در کشورهای پیشرفته است؛ این بدین معنی است که گسترش این پدیده با سطح توسعه جامعه ارتباط داشته و به گونه‌ای، آینده اغلب جوامع محسوب می‌شود. بی‌شک احساس ناامنی مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی را که در گرو تأمین امنیت است، به خطر می‌اندازد؛ به‌طوری‌که آبراهام مازلو نیز در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد. امنیت از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست. امنیت پیش از آن که قابل تعریف باشد، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولتمردان و تصمیم‌گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه، امنیت لازم وجود دارد. اکثر صاحب‌نظران برآنند که امنیت، مفهومی بیرونی و عینی است و احساس امنیت، مفهومی درونی و ذهنی است. این بدان معناست که امنیت علی‌رغم اینکه یک پدیده اجتماعی است، یک احساس درونی نیز می‌باشد که توجه انسان را به آینده و شرایطی که برای او به وجود خواهد آمد، جلب می‌کند. امنیت، یعنی فقدان عوامل تهدیدکننده فرد و احساس امنیت، به معنای عدم وجود احساس درونی ناامنی است. در این زمینه می‌توان خاطر نشان کرد که احساس امنیت می‌تواند با امنیت واقعی تناسب داشته باشد یا تناسب نداشته باشد، یعنی در شرایطی که امنیت عینی وجود نداشته باشد، فرد احساس امنیت داشته باشد یا اینکه عوامل ایجاد کننده امنیت واقعاً وجود داشته اما فرد

احساس امنیت نداشته باشد. امنیت اجتماعی اگر چه ظاهراً وظیفه افراد خاص تلقی می‌شود، ولی در واقع، نمی‌توان از نقش عملکرد و حتی دیدگاه تک‌تک افراد جامعه نسبت به این مقوله به دلیل اثرگذاری بر امنیت اجتماعی کل جامعه، غافل بود. در شرایط فعلی محیط امنیتی یک لایه پیوسته و همواره با محیط اجتماعی است که از تعامل میان عوامل مؤثر در ساخت محیط اجتماعی پدید می‌آید.

بدون تردید احساس امنیت مقدمه لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است و دولت‌ها هزینه، زمان و امکانات وسیعی را برای تأمین آن صرف می‌کنند. مقوله احساس امنیت به‌مثابه یک آرمان، و واقعیت به‌عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و در نهایت، ره‌آورد مجموعه‌ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزاء مختلف نظام اجتماعی می‌باشد. امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمان‌ها و دولت می‌باشد. اکثر افراد جامعه به‌طور مستمر و در طول زندگی روزمره با این قلمروها روبرو می‌شوند و زندگی آنها مستلزم ارتباط در این قلمروها است. امنیت در مفهوم عینی آن، اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی، به فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت، اشاره دارد. امنیت اجتماعی توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی است. امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جوامع احساس می‌کنند هویتشان در خطر است (مولر، 2000: 1).

آمارهای موجود در کشور نشانگر آن است که مقوله امنیت شهروندان در ایران، این روزها از اوضاع خوبی برخوردار نمی‌باشد. بر اساس یک نظرسنجی که در هشت شهر بزرگ ایران شامل تهران، همدان، ارومیه، شیراز، کرمان، یزد، اصفهان و مشهد، به منظور تعیین میزان امنیت آنان انجام شده، نشان داده است که 81 درصد ساکنان در این شهرها احساس ناامنی می‌کنند (عربی به نقل از رضوان، 1391: 388). همچنین در یک پیمایش ملی نتایج احساس امنیت اجتماعی برای کل کشور نشان می‌دهد که 52 درصد افراد دارای احساس امنیت اجتماعی زیاد، 27 درصد متوسط و 21 درصد دارای احساس ناامنی اجتماعی هستند. این میزان در شهرها و استان‌های مختلف، از آمار متفاوتی برخوردار است به قسمی که برای استان خراسان بدین‌گونه بوده است: 43/6 درصد افراد



دارای احساس بی‌امنیتی اجتماعی زیاد، 32/2 درصد امنیت متوسط و 24/2 درصد احساس امنیت اجتماعی می‌کنند (احمدی و اسماعیلی، 1389). این آمار در شهرهای شمالی کشور و به‌طور نمونه در شهر آمل، بدین صورت بوده است: 20 درصد احساس امنیت بالاتر از متوسط، 39 درصد در حد متوسط و 41 درصد پایین‌تر از متوسط بوده است (شارع‌پور، تقوی و سلیمانی بشلی، 1391). این آمار در شهر تهران نیز بدین صورت بوده است: میزان احساس ناامنی در 46/5 درصد از زنان به میزان زیاد، 19/8 درصد در حد متوسط و 35 درصد در حد کمتر از متوسط بوده است (شکوری اصل، 1395). ملاحظه می‌شود که این میزان‌ها در شهرهای بزرگ و به‌ویژه تهران، بسیار کمتر از میانگین احساس امنیت اجتماعی کل کشور است و نیز میزان احساس ناامنی در آنان در حد نگران‌کننده‌ای بالا می‌باشد؛ چرا که در کلانشهر تهران تنها 35 درصد از زنان احساس ناامنی کمی دارند. همچنین از دیگر نتایج تحقیقات در حوزه امنیت زنان در ایران آن بوده است که 21 درصد زنان احساس ناامنی را کم‌اهمیت و بیشتر از نیمی از آنان (56 درصد) احساس امنیت را مشکل اصلی تلقی می‌نمایند (به نقل از عظیمی هاشمی، 1384: 190). در یکی دو دهه اخیر، ترکیبی از تحولات اجتماعی و اقتصادی اغلب جوامع توسعه یافته و در حال توسعه، از جمله کشور ما را نگران امنیت و از جمله امنیت فردی کرده است. تحولات عمیق و گسترده اقتصادی همراه با فراز و فرودهای فرهنگی، زندگی آحاد جامعه را به شدت دگرگون ساخته است. از یک‌سو، امنیت اقتصادی - واقعیتی که نگرانی عمومی را در زمینه بیکاری فزاینده و همچنین سایر اشکال رو به گسترش ناامنی شغلی بازتاب می‌دهد، مسئله جدی دوران ماست. کاهش رو به تشدید امنیت اقتصادی ذهنیت ناامنی را در جامعه (ناامنی در خیابان‌ها، آسیب‌پذیری منازل و سایر تهدیدات نسبت به سلامت شهروندان) تقویت کرده است (دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی، 1385: 118).

باید بپذیریم که احساس ناامنی در بین دو جنس زن و مرد متفاوت است و اثرات این نایم‌نی نیز در زنان عمیق‌تر و شکننده‌تر از مردان است. نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و امروزه، زنان همپای مردان به کار و فعالیت پرداخته و در زمان‌های بسیار، بیشترین وقت خویش را در خارج از خانه می‌گذرانند؛ در نتیجه امکان مواجهه با آسیب‌های اجتماعی برای آنان افزایش یافته است. نتایج بدست آمده از

تحقیقات، بیانگر سطوح پایین احساس امنیت اجتماعی زنان است. مسئله‌ای که آن‌ها همواره نسبت به آن احساس نگرانی می‌کنند، احساس عدم امنیت آن‌ها در خارج از محیط خانه است. این ناامنی‌ها می‌تواند در مکان‌های عمومی، خیابان، محیط کار، دانشگاه، وسایل حمل و نقل عمومی و خصوصی و... صورت گیرد. امروزه، با گسترش جوامع و افزایش حضور زنان در خارج از خانه برای اموری چون ادامه تحصیل، اشتغال و غیره، برقراری امنیت اجتماعی آن‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (نوروزی، 1388: 56-57). امنیت یکی از مؤلفه‌های اساسی رفاه اجتماعی و از اساسی‌ترین نیازهای هر جامعه است و زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه، گروه آسیب‌پذیری هستند که امنیت آن‌ها از راه‌های گوناگون در معرض تهدید قرار دارد؛ زیرا جنسیت و خصوصیات بیولوژیکی معطوف به آن، معنا و احساس متفاوتی از امنیت ایجاد می‌کند و عموماً زنان بیشتر از مردها احساس ناامنی می‌کنند. احساس امنیت مقوله‌ای فراتر از صرف وجود امنیت در جامعه است. عواملی چون وضعیت تأهل، رضایت از وضعیت ظاهری، حمایت خانواده، چگونگی برخورد دیگران، تعهد مذهبی و... از عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در میان زنان هستند که در این میان، حمایت خانواده بیشترین تأثیر را دارد. از این‌رو، چنین به نظر می‌رسد که بحث امنیت اجتماعی زنان بیش‌ازپیش اهمیت یافته و به‌واسطه پایین بودن میزان امنیت زنان نسبت به مردان، جدی‌تر مورد بحث قرار می‌گیرد. براساس یافته‌های تحقیقات مختلف، احساس ناامنی زنان معمولاً در کلان شهرها که حلقه تعاملات اجتماعی گسترده‌تر است نسبت به شهرهای کوچکتر که بافت‌های سنتی و هنجارهای اجتماعی محدودیت کافی را برای مقابله با ناامنی ایجاد می‌نمایند، محسوس‌تر است. بر مبنای آمارها، در تهران، رابطه معناداری بین مناطق مختلف و ماهیت و تکرار جرائم وجود دارد؛ لذا می‌توان این مناطق را بر پایه کیفیت امنیت شهری طبقه‌بندی کرد. در برخی مناطق تهران، به دلایل مختلف اجتماعی و اقتصادی و حتی فعالیتی، زمینه‌های مساعدتری برای بروز و تشدید ناامنی وجود دارد، از این‌رو زندگی اجتماعی مردم با مشکلات جدی روبه‌رو شده است (عربی به نقل از رضوان، 1391: 389). در چنین شرایطی و با توجه به اینکه شهر تهران به‌عنوان کلان‌ترین شهر و پایتخت کشور می‌باشد، می‌توان عنوان کرد که احساس امنیت زنان در این شهر به‌عنوان یک مسئله اجتماعی تلقی شده و نیاز به بررسی علمی دارد. با این



اوصاف، این پژوهش قصد دارد به این موضوع بپردازد که آیا بین احساس امنیت زنان تهران در مناطق شمال و جنوب این شهر تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر؟ و آیا مؤلفه‌های شرایط اقتصادی، شبکه روابط اجتماعی و عملکرد دستگاه‌های امنیتی بر احساس امنیت آنان اثرگذاری دارد یا خیر؟ و نیز عواملی همچون سن، فقدان سرپرست و تحصیلات به‌عنوان متغیرهای میانجی چقدر بر روی احساس امنیت مؤثر هستند؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

کلانتری، جهانبخش و شهپری (1396)، تحقیقی با عنوان «بررسی ادراک دانشجویان از احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)» انجام داده‌اند. این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق با ۴ نفر از دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به بررسی ادراک آنان از احساس امنیت پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد که دختران دانشجو در جامعه هدف، امنیت اجتماعی را با داشتن آزادی عمل و عدم هراس از مواجهه با مزاحمت‌های مردان ادراک می‌کنند.

احمدی و همکاران (1396)، مطالعه‌ای با عنوان «زنان و فضاوندی ترس در محیط‌های حمل و نقل همگانی (مورد پژوهی: خط چهار بی.آر.تی تهران)» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که نزدیک به 64 درصد زنان به هنگام جابه‌جایی توسط خط 4 بی.آر.تی احساس ترس از بزه‌دیدگی داشته‌اند و مقایسه 5 ایستگاه نمایشگاه، ملاصدرا، نواب، هلال‌احمر و میدان بهمن، بر اساس آنالیز واریانس یک‌طرفه نشان داد که تفاوت معناداری در میزان امنیت زنان در ایستگاه‌های مختلف وجود دارد. بیشترین میزان ترس مربوط به ایستگاه ملاصدرا و کمترین آن مربوط به ایستگاه نواب است. زنان مسافر بر اساس تصویرهای ذهنی پیشگویانه خود، راهبردهای مقابله همچون اجتناب از حضور در فضا و سفر غیرمستقل اتخاذ کرده‌اند.

لک (2017)، تحقیقی با عنوان «محلّه شما چقدر امن است؟ درک ایمنی و امنیت زنان ایرانی» انجام داده است. به‌زعم محقق، ایمنی و امنیت به‌عنوان نیازهای اساسی انسان و حقوق اساسی شناخته می‌شود. زنان که یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند،

نیاز به ایمنی بیشتر و امنیت در محله‌ها دارند. نتایج نشان داد که درک زنان از امنیت در محله با سه عامل اصلی، ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های محلی و خصوصیات محیطی ساخته شده است.

سکاتو¹ (2017)، پژوهشی با عنوان «قربانی کردن و ایمنی زنان در محیط‌های حمل و نقل شهری» انجام داده است. به اعتقاد پژوهشگر، آزار جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی در فضاهای عمومی یک رویداد روزمره برای زنان و دختران در سراسر جهان است. این پدیده توانایی آنها در مشارکت در مدرسه و دانشگاه، کار و زندگی عمومی را تنزل می‌بخشد. گرچه خشونت در حوزه خصوصی امروزه به‌عنوان یک نقض حقوق بشر شناخته شده است، خشونت علیه زنان و دختران، به‌ویژه آزار جنسی در فضاهای عمومی، همچنان یک مسئله غالباً نادیده گرفته شده می‌باشد (نقل از جمعیت زنان، 2017).

دونوسو² (2016)، رساله دکترای تخصصی خود را با عنوان «فمینیست بحرانی امنیت انسان؛ امنیت زنان و برهم خوردن آن در مرزهای اکوادور» انجام داده است. محقق در این تحقیق بر این باور است که فمینیسم سیاه از تقاطع و ماتریکس سلطه و نقدهای فمینیستی امنیت ملی، قاچاقچیان زن را به‌عنوان ارجاع دهنده به امنیت و نه به‌عنوان جنایتکار، به‌عنوان گفتمان امنیتی مرزی آنها بررسی می‌کند. با استفاده از یک لنز امنیت انسانی بحرانی فمینیستی که با توجه به تقاطع‌های جنسیتی، نژادی، طبقه و جغرافیایی قرار دارد و شامل صداهای زنان و مفاهیم آنها در مورد توسعه و امنیت محلی است، این تحقیق توانایی حکومت برای بهبود وضعیت را افزایش می‌دهد. برنامه‌ریزی و سیاست‌های مربوط به افزایش امنیت زنان در مناطق مرزی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های جامعه‌شناختی مربوط به امنیت اجتماعی در این پژوهش در قالب سه رویکرد بیان شده‌اند. در رویکرد اول، امنیت اجتماعی با محوریت مفهومی خاص (مثل هویت، قانون و اقتصاد) دسته‌بندی شده، مطابق نظریه‌های امنیت اجتماعی هویت محور

1- Ceccato

2- Donoso



که نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ، یعنی باری بوزان¹، ال‌ویور² و بیورن مولر³ مطرح کرده‌اند، واژه محوری هویت است. از آنجایی که در این پژوهش تأکید اصلی بر روی عامل جنسیت و امنیت بوده، نقطه اتکای تحقیق بر امنیت زنان می‌باشد؛ بنابراین متغیر تعیین‌گر در این تحقیق زنان و احساس امنیت آنان است بر این اساس، مهمترین نظرگاه جامعه‌شناختی مورد استفاده، نظریات گیدنز در خصوص احساس امنیت زنان می‌باشد و همچنین برای ابعاد امنیت اجتماعی نیز از نظریه امنیت اجتماعی نویدنیا با 4 بعد امنیت مالی، جانی، عاطفی و ارتباطی بهره گرفته شده است. برای سنجش امنیت اجتماعی هم باید به عوامل عینی (امور واقعی) و هم به امور ذهنی (درک و برداشت فرد) توجه کرد.

گیدنز «امنیت هستی‌شناختی» را به‌مثابه پدیده‌ای عاطفی توصیف می‌کند که در بردارنده اطمینانی است که اغلب انسان‌ها در جریان استمرار هویت نفسانی خود و در جریان پایداری محیط اجتماعی و مادی پیرامون کنش، فرا می‌گیرند. این امر، اعتماد را در قابلیت اطمینان اشخاص و چیزها جای داده و تعریف می‌کند؛ بنابراین اعتماد را در قابلیت اطمینان اشخاص و چیزها جای داده و تعریف می‌کند؛ بنابراین اعتماد ممکن است به‌عنوان شیوه‌ای روان‌شناختی برای مقابله با مخاطرات تلقی شود و در غیراین‌صورت، کنش فلج می‌شود یا به احساساتی نظیر غرق‌شدگی، وحشت و اضطراب می‌انجامد (لاپتون، 1380: 310). از نظر گیدنز، بقا در زندگی نیاز به اندیشه‌ای تعمیمی از اعتماد دارد (پیرسون، 1380: 188، به نقل از زاهدی، 1395). از دید وی، در فقدان اعتماد، واکنش همگانی کنارگذاشتن آداب و عادت‌های تقدیرگرایانه و رهاکردن همه چیز به‌حال خود و گذران عمر طبق «هرچه باداباد» است. این تقدیرگرایی هم در متن خطرهای احتمالی مبدل به کردارهایی می‌گردد که گیدنز آنها را «تسلیم‌طلبی مصلحت‌جویانه» یا «بدبختی وقیحانه» می‌نامد.

در چارچوب تحلیل گیدنزی از اعتماد و احساس امنیت، از آنجا که گروه‌ها، افشار، طبقات و یا حتی افراد گوناگون فعالیت‌ها و زمینه‌ها یا اجتماعی و مادی خود را بازتاب می‌کنند، سطح معینی از اعتماد یا بی‌اعتمادی را دارا خواهند بود. این سطح نه به نقش و منزلت آنان، بلکه به خصوص وابسته به موقعیت افراد در عرصه اجتماعی است. متغیر

1- Bari Boran

2- Ole Waever

3- Biyoren Moller

محوری دیگر در تعیین سطح اعتماد و احساس امنیت افراد، نوع پرورش و شرایط تربیت اجتماعی است. به این ترتیب، از این منظر افرادی که به لحاظ اجتماعی فرودست محسوب می‌شوند، از احساس اعتماد و امنیت کم‌تری برخوردار خواهند بود. در این میان، شرایط جامعه‌پذیری خاص و موقعیت‌های از پیش تعریف شده فرودستی برای زنان، آنان را مستعد احساس بی‌اعتمادی و ناامنی بیشتری می‌سازد. داده‌های بسیاری در کشور ما این تحلیل را تأیید می‌کند. نتایج حاصل از موج دوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تفاوت‌های معناداری را در ابعاد مختلف احساس امنیت میان زنان و مردان نشان می‌دهد. از این جهت، زنان در مورد احتمال یافتن شغل مناسب در صورت امنیت سیاسی (ترس از انتقاد آزادانه از دولت) احساس امنیت کمتری نسبت به مردان می‌کنند (وزارت ارشاد اسلامی، 1382: 192-195).

به تعبیر گیدنز، اعتماد، مستلزم درجاتی از عدم شناخت و ارتباط‌های مستقیم است. این نوع اعتماد و سطح بالای آن، زنان را در دایره بسته‌ای قرار می‌دهد که تنها شرایط نابرابر و فرودست آنان را در موقعیت‌های اجتماعی و مشارکت فعال آنان در جامعه است که می‌تواند این دایره بسته را واگشایی کند. تغییر شرایط فرودستی زنان و ایجاد جایگاه برابر با مردان در جامعه و استفاده از ظرفیت‌های علمی و توان ذهنی و فیزیکی زنان مستلزم افزایش احساس امنیت آنان است. در حاشیه، مسئله ناامنی برای زنان دارای ابعاد متعددی است که بدون لحاظ آنها نمی‌توان به درک درستی از این مسئله نایل شد؛ اینکه چه گروه یا گروه‌هایی از مردان بیشترین نقش را در ایجاد ناامنی برای زنان دارند؛ اینکه از میان کنش‌های جمعی زنان، کدام‌یک در ایجاد ناامنی برای خود آنان، بیشتر مؤثر است؛ اینکه چه سهمی برای نظارت و کنترل اجتماعی باید در نظر گرفت؛ اینکه اخلاق چه جایگاهی در این بحث دارد؛ و اینکه عوامل مؤثر در شهوانی‌سازی فضای جامعه چه تأثیری بر ناامنی جنسی دارند. «هرچه سطح مشارکت اجتماعی زنان بالاتر باشد، امنیت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد». برحسب این تحلیل، جوامعی که به بالاترین سطوح مشارکت اجتماعی زنان رسیده‌اند، باید بیشترین امنیت را برای زنان فراهم آورده باشند، ولی مگر نه این است که انواع مختلف جرایم و آزارها در همین جوامع به اصطلاح پیشرفته بر زنان اعمال می‌شود. به علاوه، اگر امنیت مالی و اقتصادی زنان در این جوامع در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد، در عوض، بالاترین میزان طلاق و



فروپاشی خانواده مربوط به همین جوامع است و این خود یکی از اساسی‌ترین محورهای ناامنی و بی‌اعتمادی است. از نظر روانشناسی باید این نکته را یادآور شد که باید بین انواع مختلف ناامنی تمایز قایل شد. تبیینی که در مسئله ناامنی جنسی کارآمدی لازم را دارد، لزوماً در مسئله ناامنی اقتصادی، کارآمد نیست و بالعکس؛ لذا اگر افزایش مشارکت اجتماعی زنان و ارتقای موقعیت اجتماعی آنان، امنیت اقتصادی و ارزش و احترام زنان در مجامع رسمی را بالا می‌برد، نباید راه‌حلی برای مشکل ناامنی جنسی تلقی شود. همچنین، برای نشان دادن امنیت اجتماعی متفاوت در مناطق بالا و پایین شهر از نظریه فشار اجتماعی استفاده شده است. بر اساس نظریه فشار اجتماعی که رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهایی می‌داند که بعضی از مردم را وادار به کج‌روی و بروز ناامنی می‌کند، تأثیر شرایط محیطی بر روی ابعاد امنیت اجتماعی، یعنی امنیت جانی، امنیت مالی و غیره، یکسان و یک جهت نیست. در این زمینه مرتن استدلال می‌کند که ساکنان مناطق محروم اغلب به دلیل نوع تربیت، یادگیری و تجربه زیاد ناکامی، رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتری از خود نشان می‌دهند و به همین دلیل در معرض زد و خورد، درگیری و دعوای بیشتری بوده و با خطرات و آسیب‌های جانی بیشتری مواجه هستند و از این‌رو، امنیت جانی کمتری دارند (احمدی، 1391).

از نظر بوزان، امنیت اجتماعی به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد. به عقیده او، امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی با شرایط مقبول مربوط است. بوزان بحث خود را با تأکید بر اصول نظام ارگانیکی بیان کرده و امنیت اجتماعی را مترادف با امنیت هویت تلقی می‌کند (بوزان، 41:1378). ال ویور در پژوهشی با عنوان «مفهوم امنیت اجتماعی» برای اولین بار هویت را در حد یک موضوع امنیتی ارتقا داد و یکسان‌سازی هویت‌ها به دست جریان‌ها یا دولت‌ها را تهدیدی امنیتی برشمرد. به اعتقاد ویور، گسترش مفهوم امنیت ملی و نهاد دولت باعث غفلت از مفهوم امنیت اجتماعی و نهاد جامعه شده است. جامعه بر اساس هویت، یعنی درک و برداشتی که اجتماعات و افراد از خود و از همبستگی خود دارند، تشکیل می‌شود. مفهوم کلیدی امنیت، هویت است و هرگاه یک حرکت عمدی یا فرایندی ذهنی و احتمالی آن را

تهدید کند و اعضای آن گروه، حرکت یا فرایند مذکور را تهدیدی بر بقای خود بشمارند، ناامنی اجتماعی رخ می‌نماید (نصری، 1390: 97)

بر اساس تحقیقات اصحاب مکتب کپنهاگ که همگی هویت را موضوع مرکزی امنیت اجتماعی به شمار می‌آورند، تهدید بر ضد هویت به شدت ذهنی و آمیخته با برداشت‌های شخصی گروهی است. ممکن است برداشت آن گروه اساساً واقعیت نداشته باشد. به همین دلیل گفته می‌شود موضوع امنیت اجتماعی، منطق و مبنای همگانی و قابل شناخت ندارد و به شدت ذهنی و سیال است (نصری، 1390: 97)

نظریه‌های امنیت اجتماعی قانون‌محور دغدغه نظم مبتنی بر قانون را دارند. از نظریه‌پردازان آن می‌توان به ایستر برایمر¹ اشاره کرد. برخلاف تعبیر ویور و بوزان، برایمر معتقد است که مفهوم امنیت اجتماعی بر صیانت مردم و بر امنیت شبکه‌های مواصلاتی از قبیل خطوط حمل و نقل و امنیت تماس تلفنی و امنیت الکترونیک متمرکز است. مقصود برایمر از صیانت مردم همان چیزی است که در گفتمان سلبی امنیت به‌عنوان رفع دغدغه امنیتی جامعه یاد می‌شود. بر این اساس، امنیت اجتماعی هنگامی تأمین شده است که افراد جامعه بتوانند در عرصه خصوصی زندگی خود از نظارت، مراقبت، تهدید و تعقیب دیگری (دولت و غیره) در امان باشند. برایمر معتقد است برای رسیدن به امنیت اجتماعی علاوه بر پلیس مسلط و منصف، به همکاری دستگاه قضایی و قوه مقننه و دیگر نهادهای نگهبان قانون نیاز مبرم وجود دارد. به گفته برایمر امنیت اجتماعی هنگامی تأمین می‌شود که حقوق اساسی انسان‌ها به ویژه در حوزه آزادی و سبک زندگی مورد احترام باشد. برایمر تلویحاً خاطرنشان می‌سازد که امنیت اجتماعی، حاصل تعامل و رعایت قانون از سوی افراد جامعه و پلیس است (برایمر، 2006: 53)

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در مبحث امنیت اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد، امنیت مالی است که یکی از ابعاد امنیت اجتماعی است. نظریه‌های جدید در حوزه امنیت اجتماعی تمرکز بیشتری بر مؤلفه اقتصادی دارند. در این نظریه‌ها بر رابطه بین اقتصاد و امنیت اجتماعی تأکید می‌شود. رابطه بین شرایط اقتصادی هر فرد و احساس امنیت اجتماعی از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که دایره امنیت اجتماعی سازمان جهانی کار²

1- Brimmer
2. ILO



در سال 2010 میلادی کتاب راهنمایی را با عنوان گسترش امنیت اجتماعی برای همه تدوین کرده است که در آن به لزوم افزایش قدرت مالی و درآمد افراد برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی اشاره شده است. در این کتاب پارادایمی برای گسترش امنیت اجتماعی طراحی شده است که رویکردی دویبعدی دارد. بعد اول، شامل گسترش میزان درآمد افراد جامعه است که آن را «گسترش افقی» می‌نامند. بعد دوم، شامل فراهم کردن سطوح بالاتری از درآمد و کیفیت زندگی برای افراد جامعه است که مستمری بازنشستگی، حقوق از کارافتادگی و بیمه اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد که آن را «گسترش عمودی» می‌نامند. در این پارادایم اعتقاد بر این است با بهبود شرایط و امکانات مالی افراد جامعه، امنیت اجتماعی نیز به شکل پلکانی افزایش خواهد یافت. پله اول، شامل تضمین‌های اولیه و پله دوم، شامل دسترسی به منافع و منابع برای همه افراد و در نهایت، پله‌های بعدی بالاترین سطح تأمین نیازها است (Social Security Department of ILO, 2010).

رویکرد دوم در حوزه امنیت اجتماعی، نظریه‌های رویکرد امنیت اجتماعی چندبعدی است. از میان کسانی که برای امنیت اجتماعی، مفهومی چندبعدی قائل هستند می‌توان به پارسونز اشاره کرد. برخلاف دیگر جامعه‌شناسان کلاسیک، پارسونز تنها بر یک بعد خاص از امنیت اجتماعی تأکید نمی‌کند، بلکه برای امنیت اجتماعی چهار بعد قائل است که هرکدام به یک خرده‌سیستم جامعه مربوط هستند و از برآیند آنها امنیت در سطح جامعه به وجود می‌آید: امنیت مالی و اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت حقوقی و قضایی و امنیت فرهنگی. نبودن هریک از این ابعاد امنیت، روند سایبرنتیکی را دچار اختلال کرده، دنیای کارکردها را مختل و جامعه را در کلیت خود دچار عدم تعادل و پریشانی می‌کند. او معتقد است وقتی خرده‌سیستم‌ها به ایفای نقش‌های خویش پرداخته و آسیبی متوجه آنها نباشد یا امکان کسب فرصت‌ها برای انسجام خرده‌سیستم‌ها فراهم باشد، امنیت اجتماعی برقرار شده است (نویدینیا، 1388: 79).

گیدنز نیز نگاهی دویبعدی به امنیت دارد. از نظرگیدنز، امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله و یا به حداقل رسانده می‌شود. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. از نظر گیدنز، امنیت مصونیت در برابر خطرهایست و خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند (گیدنز، 1377: 44) گیدنز همچنین به مفهوم امنیت وجودی برای مقاومت در برابر هجوم گسترده

مخاطرات نهادهای مدرن اشاره می‌کند. امنیت وجودی، یعنی ایمن بودن و در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان در طی عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، اصطلاح امنیت وجودی به اطمینانی باز می‌گردد که بیشتر انسان‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند (نویدینیا، 33:1388).

احساس امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری می‌توان امنیت عمومی نیز قلمداد کرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را پوشش می‌دهد. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت، برای افراد و گروه‌های مختلف جامعه متفاوت است (دلاور و جهانتاب، 1390: 9) و در سطوح کلان (ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از حوادث طبیعی و سقوط نظام‌های سیاسی از عمده منابع تأمین احساس امنیت هستند)، در سطوح میانه (روابط میان نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و چالش بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف از زمره منابعی هستند که احساس امنیت را در افراد شکل می‌دهند) و در سطوح خرد (روابط افراد جامعه در حوزه امور روزانه و تجربه‌های آنها از پدیده‌هایی چون سرقت، قتل، جرم از منابع تأمین احساس امنیت هستند) بر شکل‌گیری احساس امنیت نزد افراد مؤثر است. (انتظاری و همکاران، 1394). برخی از پرکاربردترین رویکردهای مطرح در تبیین احساس امنیت در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول 1: رویکردهای مطرح در تبیین احساس امنیت اجتماعی

رویکرد	تلخیص نظرات
آسیب‌پذیری	با نگاهی جامعه - جمعیت‌شناسانه بر عواملی چون جنسیت، سن و موقعیت اجتماعی اقتصادی تأکید کرده و جنسیت را دارای بیشترین قابلیت برای توضیح و پیش‌بینی احساس ناامنی تلقی می‌کند.
تجربه از جرم	تجربه مستقیم افراد به‌مثابه قربانی و تجربه غیرمستقیم آنان از طریق دوستان، تماس‌های اجتماعی یا رسانه‌ای از جرم و احساس ناامنی ناشی از آن را مدنظر قرار می‌دهد.
بوم‌شناختی	محیط‌های فیزیکی و اجتماعی را به‌عنوان منابع احتمالی احساس ناامنی معرفی کرده و منابعی چون فقدان انسجام را به‌عنوان منبع احساس ناامنی و ترس تشخیص می‌دهد.
بی‌سازمانی	بی‌سازمانی اجتماعی را عامل افزایش جرم و کاهش احساس امنیت در جامعه تلقی کرده و معتقد است که اجتماعات سازمان‌نیافته بر حسب سرمایه‌اجتماعی، تاب تحمل ناهنجاری را نداشته و از جرم و احساس ناامنی رنج می‌برند.



تلخیص نظرات	رویکرد
<p>رویکرد مذکور در سه فرضیه اصلی طراحی شده است: 1- هرچه شخص در روابط اجتماعی افزایش قدرتی را تجربه کند، احساس رضایت وی از امنیت و اعتماد بیشتر خواهد شد، 2- هرچه شخص انتظار به‌دست آوردن قدرت را در روابط اجتماعی داشته باشد ولی آنرا به‌دست نیاورد، احساس اضطراب او به‌صورت بالقوه و احساس ترس او بیشتر خواهد شد، 3- هرچه شخص بیشتر احساس کند که پایگاهش در روابط اجتماعی در حال صعود است، احساس رضایت و رفاه وی بیشتر خواهد شد.</p>	<p>پایگاه قدرت تئودور کمپر</p>
<p>هرچه جامعه برخوردار از نظم و انتظام و یکپارچگی بیشتری باشد، احتمال کجروی و انحراف در آن جامعه بیشتر خواهد بود و مردم احساس امنیت بیشتری خواهند کرد. کُنْت در قالب این رویکرد توافق اذهان بر سر اصول اخلاقی را از عوامل مولد نظم و امنیت و آسایش دانسته و دورکیم نیز وضعیت بی‌هنجاری و آنومی اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی را دارای پیامدهایی چون افزایش احساس ناامنی و تنزل احساس امنیت اجتماعی تلقی می‌کند.</p>	<p>نظم اجتماعی</p>
<p>کاهش کنترل اجتماعی را موجب توسعه‌گرایی به کجروی و انحراف و در نهایت، تقلیل احساس امنیت عمومی می‌داند. هیرشی بر این باور است که کنترل اجتماعی مورد نظر، از طریق منابع وابستگی، یعنی تعلق عاطفی، پایبندی یا تعهد، درگیری در امور مشترک و باور به قواعد اخلاقی و اجتماعی تأمین می‌شود. برای اینکه بتوان نظم اجتماعی را برقرار کرد باید رفتارهای اجتماعی الگو شده‌ای را از طریق فراگرد اجتماعی شدن و به کمک نظارت‌های اجتماعی به اعضای جامعه تلقین یا تحمیل کرد. لذا کنترل یا نظارت اجتماعی یکی از عوامل هم‌نوابی با جامعه می‌باشد.</p>	<p>کنترل اجتماعی</p>
<p>احساس امنیت شهروندان یک جامعه را متأثر از پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان دانسته و بر این بنیان است که افراد برخوردار از موقعیت پایگاهی بالاتر، اغلب به سبب کسب مهارت‌های اجتماعی فراوان و قدرت تأثیرگذاری بالای اجتماعی‌شان، بیش از دیگران احساس امنیت می‌کنند.</p>	<p>ساختار اجتماعی</p>
<p>اعتماد، مخاطره و امنیت در رویکرد گیدنزی، پیوستگی متقابلی داشته و در خدمت تقلیل خطراتی به‌کار می‌روند که انواع خاصی از فعالیت بشری با آن روبه‌روست. نقطه مقابل اعتماد در دنیای جدید که اطمینان‌بخش نیست، حالت ذهنی‌ای است که خلاصه‌اش همان نگرانی و هراس وجودی است: زمانی که فرد می‌داند که چگونه به کار خود ادامه دهد، بدون آنکه وقفه و مزاحمتی برای او به‌وجود آید، حالت‌ذهنی و روانی بروز می‌کند که همان امنیت وجودی است.</p>	<p>امنیت وجودی</p>

(دلاور و جهانتاب، 1390؛ هاشمیان فر و سادات کشاورز، 1391؛ رادان، 1392)

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از دسته تحقیقات پیمایشی از نوع علی-مقایسه‌ای از دسته تحقیقات کمی بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان 18 تا 45 ساله شهر تهران در دو منطقه شمال و جنوب شهر تهران می‌باشد که مناطق شمال شهر محدود به مناطق 9 گانه 1، 2، 3، 4، 5، 6، 7، 8 و 22 بوده و مناطق جنوب شهر محدود به مناطق شش‌گانه 15، 16، 17، 18، 19 و 20 می‌باشد و مناطق 7 گانه 9، 10، 11، 12، 13، 14 و 21 به‌عنوان مناطق مرکزی در تحقیق دخالت داده نشده است. طبق اطلاعات به دست آمده از سرشماری سال 1395 نفوس و مسکن، ویژگی‌های جمعیت کل شهر تهران و گزارش شهرداری تهران و طبق آمار سالنامه 1396 کل جامعه آماری بالغ بر 2036680 نفر می‌باشد. حجم نمونه تحقیق در قسمت کمی با استفاده از فرمول کوکران، با در نظر گرفتن آلفا برابر با 0/05 و p و q برابر با 0/5 برابر با 384 نفر در نظر گرفته شد، اما به دلیل وسعت قلمرو مکانی تحقیق به 800 نفر (400 نفر در مناطق جنوب و 400 نفر در مناطق شمال شهر) افزایش یافت. نمونه‌ها به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از یک پرسشنامه محقق‌ساخته 95 سؤالی جمع‌آوری شد. روایی ابزار در دو مرحله انجام شد؛ در مرحله اول، به صورت صوری و محتوایی برآورد شد و در مرحله دوم، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و روایی سازه صورت گرفت. پایایی ابزار توسط ضریب آلفای کرونباخ سنجش شد که میزان ضریب آلفای سؤالات هر یک از متغیرها به صورت مجزا محاسبه شد که کمترین ضریب آلفای حاصله برابر با 0/72 بود.

یافته‌های پژوهش

الف - یافته‌های توصیفی

نتایج به دست آمده از تحقیق، حاکی از آن است که میانگین سنی در جمعیت نمونه 32/54 سال و رده سنی پاسخگویان از 18 تا 45 سال است و محدوده 27 ساله را پوشش می‌دهد. کمینه سنی 18 سال و بیشینه سنی 45 سال بوده است. 6/1 درصد از پاسخگویان در سن 18 تا 20 سال، 40/3٪ در گروه سنی 21 تا 30 سال، 29/1٪ از آنان در گروه سنی 31 تا 40 سال و 24/5٪ در گروه سنی بالاتر از 40 سال قرار



داشته‌اند. از نظر وضعیت تأهل، 39/4 درصد پاسخگویان مجرد، 47/1 درصد متأهل، 8/6 درصد از همسر خود جدا شده و 4/9 درصد همسر مرده بوده‌اند. از نظر وضعیت داشتن سرپرست مرد، 15/3 درصد فاقد هرگونه سرپرست مرد بوده و 84/8 درصد دارای سرپرست مرد بوده‌اند که از بین دسته دوم، 51/8 درصد از پاسخگویان تحت سرپرستی شوهر، 41/3 درصد پاسخگویان تحت سرپرستی پدر، 5/2 درصد تحت سرپرستی برادر و 1/8 درصد پاسخگویان تحت سرپرستی پسر بوده‌اند. از نظر وضعیت اشتغال، 57 درصد پاسخگویان فاقد شغل و خانه‌دار بوده‌اند و 43 درصد شاغل بوده‌اند که در گروه شاغلین، 25/9 درصد از پاسخگویان کارمند، 27 درصد از پاسخگویان فرهنگی، 17/4 درصد از پاسخگویان مشاغل آزاد، 12/2 درصد از پاسخگویان دانشجو، 5/2 درصد از پاسخگویان پزشک، 4/9 درصد از پاسخگویان استاد دانشگاه و 7/3 درصد از پاسخگویان کادر درمانی بیمارستان بوده‌اند. بررسی وضعیت توزیع میزان تحصیلات در جمعیت نمونه نشان داده است که 1/6 درصد پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی، 4/5 درصد تحصیلات راهنمایی، 24/5 درصد تحصیلات در حد پایان دوره متوسطه و دیپلم، 12/1 درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، 41/4 درصد دارای تحصیلات لیسانس، 11/1 درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و 4/8 درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دکتری بوده‌اند.

ب - یافته‌های استنباطی

نتایج به دست آمده از آزمون این فرضیه‌ها به شرح زیر است:

جدول 2: مقایسه میزان احساس امنیت زنان شهر تهران در مناطق بالا و پایین شهر

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف			نتیجه آزمون فرضیه
				معیار	d.f	t	
احساس امنیت	بالای شهر	400	99/92	7/8	798	20/57	0/001
	پایین شهر	400	83/80	13/6			

نتایج به دست آمده از این آزمون نشان داد که بین احساس امنیت زنان مناطق بالا و پایین شهر تهران تفاوت معنادار و قابل تأمل وجود دارد. نتایج نشان داد که میانگین احساس امنیت زنان در مناطق بالای شهر تهران بیشتر از این میانگین در مناطق جنوب شهر بوده است

جدول 3: مقایسه ابعاد احساس امنیت زنان شهر تهران در مناطق بالا و پایین شهر

نتیجه آزمون فرضیه	آزمون t			انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها	متغیر
	sig	t	d.f					
رد فرض صفر	0/001	12/70	798	3/21	22/93	400	بالای شهر	امنیت جانی
				4/43	19/46	400	پایین شهر	
رد فرض صفر	0/001	12/84	798	3/52	20/78	400	بالای شهر	امنیت مالی
				3/77	17/47	400	پایین شهر	
رد فرض صفر	0/001	12/76	798	3/73	22/20	400	بالای شهر	امنیت عاطفی
				4/33	18/55	400	پایین شهر	
رد فرض صفر	0/001	15/99	798	4/15	34/02	400	بالای شهر	امنیت ارتباطی
				5/79	28/32	400	پایین شهر	

همان‌طور که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد، بین تمامی ابعاد امنیت زنان مناطق بالا و پایین شهر تهران تفاوت معنادار و قابل تأمل وجود دارد. از آنجایی که مقادیر آماره t محاسبه شده (12/70، 12/84، 12/76 و 15/99) در سطح خطایی (0/001) کمتر از حداکثر خطای قابل پذیرش (0/05) به دست آمده است؛ بنابراین نشانگر آن است که فرض صفر رد و فرض مقابل پذیرفته می‌شود و این بدان معناست که امنیت زنان در تمامی ابعاد در مناطق شمال و جنوب شهر متفاوت است.

جدول 4: مقایسه احساس امنیت زنان شاغل و غیرشاغل (خانه‌دار) در مناطق بالا و پایین شهر تهران

نتیجه آزمون فرضیه	آزمون t			انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها	متغیر
	sig	t	d.f					
رد فرض تحقیق	0/478	0/710	398	8/12	100/15	233	غیرشاغل	احساس امنیت زنان مناطق بالای شهر
				7/33	99/59	167	شاغل	
رد فرض تحقیق	0/822	-0/225	398	13/26	83/66	223	غیرشاغل	احساس امنیت زنان مناطق پایین شهر
				14/04	83/97	177	شاغل	

همان‌طور که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد، بین احساس امنیت زنان شاغل و غیرشاغل مناطق بالای شهر تهران تفاوت معنادار و قابل قبولی وجود ندارد؛ همچنین بین احساس امنیت زنان شاغل و غیرشاغل مناطق پایین شهر تهران تفاوت معنادار و قابل قبولی وجود ندارد. مجموع نتایج نشانگر آن بوده است که وجود یا عدم وجود



اشتغال برای زنان موجب احساس امنیت بیشتر نمی‌گردد و منطقه شهری نیز اثری بر روی آن ندارد.

جدول 5 مقایسه میانگین احساس امنیت زنان با وضعیت تأهل مختلف در مناطق بالا و پایین شهر تهران

مناطق پایین شهر			مناطق بالای شهر		
زیرمجموعه آلفا=0/05		تعداد	وضعیت تأهل	زیرمجموعه آلفا=0/05	
2	1			1	تعداد
	77/42	45	جدا شده	96/21	24
	80/04	27	همسر مرده	99/02	171
82/45	82/45	122	مجرد	99/17	12
86/49		206	متأهل	101/23	193

بر اساس اطلاعات در مناطق بالای شهر تهران بالاترین میزان احساس امنیت در زنان مجرد با میانگین 101/23 بوده و کمترین میزان احساس امنیت در زنان جدا شده با میانگین 96/21 بوده است. همچنین بر اساس اطلاعات بخش دوم این جدول مشخص می‌گردد که در مناطق پایین شهر تهران بالاترین میزان احساس امنیت در زنان متأهل با میانگین 86/49 بوده و کمترین میزان احساس امنیت در زنان جدا شده با میانگین 77/42 بوده است.

جدول 6: مقایسه احساس امنیت زنان مجرد و متأهل و ... در مناطق بالا و پایین شهر تهران

نتیجه آزمون فرضیه	آزمون f		SM	d.f	MM	متغیر
	sig	F				
احساس امنیت زنان مناطق بالای شهر	رد فرض صفر	4/54	268/966	3	806/899	بین گروه
			59/249	396	23462/541	درون گروه
				399	24269/44	کل
احساس امنیت زنان مناطق پایین شهر	رد فرض صفر	7/415	1306/799	3	3920/398	بین گروه
			176/241	396	69791/602	درون گروه
				399	73712	کل

همان‌طور که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد، احساس امنیت زنان مجرد مناطق بالای شهر متفاوت است. مقدار F برابر 4/54 است که در سطح 0/05 معنی‌دار است. همچنین، احساس امنیت زنان متأهل مناطق بالای شهر متفاوت است. مقدار F برابر 7/41 است که در سطح 0/05 معنی‌دار است.

جدول 7: مقایسه میانگین احساس امنیت زنان با وضعیت اقتصادی مختلف در مناطق بالا و پایین شهر تهران

مناطق بالای شهر				مناطق پایین شهر			
شرایط اقتصادی		تعداد		زیرمجموعه آلفا=0/05		تعداد	
1	2	3	4	1	2	3	4
بسیار ضعیف	13	92	10	بسیار ضعیف	10	59/1	
ضعیف	15	92	205	ضعیف	205	77/66	
قوی	117	96/68	147	متوسط	147	89/75	
متوسط	154	97/15	22	قوی	22	100	
بسیار قوی	101	110/09	16	بسیار قوی	16	101	

همان طور که نتایج جدول بالا نشان می دهد، بالاترین میزان احساس امنیت در مناطق بالای شهر تهران در زنان با وضعیت اقتصادی بسیار قوی با میانگین 110/09 بوده و کمترین میزان احساس امنیت در زنان با وضعیت اقتصادی بسیار ضعیف با میانگین 92 بوده است. همچنین نتایج نشان داده است که بالاترین میزان احساس امنیت در مناطق پایین شهر تهران در زنان با وضعیت اقتصادی بسیار قوی با میانگین 101 بوده و کمترین میزان احساس امنیت در زنان با وضعیت اقتصادی بسیار ضعیف با میانگین 59/1 بوده است.

جدول 8: مقایسه احساس امنیت زنان با وضعیت اقتصادی مختلف در مناطق بالا و پایین شهر تهران

متغیر	MM	d.f	SM	آزمون f		نتیجه آزمون فرضیه
				sig	F	
احساس امنیت زنان بالای شهر	14608/378	4	3652/094	0/001	149/319	رد فرض صفر
	9661/062	395	24/458			
	24269/44	399				
احساس امنیت زنان پایین شهر	29541/315	4	7358/329	0/001	66/044	رد فرض صفر
	44170/685	395	111/825			
	73712	399				

نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان می دهد که احساس امنیت زنان مناطق بالای شهر با توجه به وضعیت اقتصادی آنان متفاوت است. مقدار F برابر 149/319 است که در سطح 0/05 معنی دار است. همچنین، احساس امنیت زنان مناطق پایین شهر با توجه به وضعیت اقتصادی آنان متفاوت است. مقدار F برابر 66/044 است که در سطح 0/05 معنی دار است. نتایج نشان داد که بالاترین میزان احساس امنیت در مناطق بالای شهر



تهران در زنان با وضعیت اقتصادی بسیار قوی با میانگین 110/09 بوده و کمترین میزان احساس امنیت در زنان با وضعیت اقتصادی بسیار ضعیف با میانگین 92 بوده است. همچنین نتایج نشان داده است که بالاترین میزان احساس امنیت در مناطق پایین شهر تهران در زنان با وضعیت اقتصادی بسیار قوی با میانگین 101 بوده و کمترین میزان احساس امنیت در زنان با وضعیت اقتصادی بسیار ضعیف با میانگین 59/1 بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

احساس امنیت اجتماعی، به‌ویژه در بین زنان، یکی از شاخص‌های مهم حقوق شهروندی است. با توجه به اهمیت احساس امنیت در بین زنان، این پژوهش به دنبال بررسی احساس امنیت و بررسی عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران به روش پیمایشی انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای تحصیلات و وضعیت اشتغال با واسطه منطقه شهری تأثیری بر احساس امنیت زنان ندارند، اما سایر متغیرها، یعنی عملکرد دستگاه‌های امنیتی، شبکه روابط اجتماعی، شرایط اقتصادی، وضعیت تأهل، سن و وضعیت سرپرست در دو منطقه بالا و پایین شهری به‌طور متفاوتی بر روی احساس امنیت زنان اثر دارند. مطالعه حاضر در بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت زنان ساکنان شهر نشان داد که بسیاری از روندهای رایج در تامین امنیت، راه‌های ارتباطی، فضاهای تفریحی و اجتماعی - فرهنگی و... از دیدگاه ساکنان شهر، کیفیت و توزیع مناسبی ندارد. این مسئله نشان‌دهنده یک نیاز مبرم به تغییر بنیادی در مفهوم توسعه شهری است. آنچه شهروندان به آن احساس نیاز می‌کنند، بیش از آن که یک شهر تجاری و محل تجمع سرمایه باشد، شهری است که فراگردهای اجتماعی در آن به سهولت، سرعت و بدون تهدید امنیت ساکنان رخ دهد. در بررسی نهایی و نتیجه‌گیری مشخص شد که فضای شهری بر نحوه نگرش زنان بر مقوله امنیت، عوامل افزایشنده و عوامل کاهشنده امنیت و تهدیدات آنها اثر قابل‌توجهی گذارده است. زنان مناطق شمالی تهران از نظر کیفیت احساس امنیت با زنان جنوب شهر تهران تفاوت‌های زیادی دارند؛ حتی میزان احساس امنیت زنان این دو منطقه با یکدیگر متفاوت است و مشخص می‌شود که عوامل اقتصادی، طراحی محیطی، مهاجرت، شرایط اقتصادی و... بر روی مقوله احساس امنیت یا احساس ناامنی زنان اثر عمیقی داشته است. برای ایجاد تغییرات

در احساس امنیت زنان، باید راهبردهای متفاوتی در مناطق شمال و جنوب شهر تهران از سوی مسئولین و متولیان امنیت، آموزش و فرهنگ جامعه در نظر گرفته شود. یافته‌های این پژوهش در ارتباط با مطالعات پیشین (ن.ک به صدوقیان‌زاده، 1393) نشان می‌دهد که برقراری روابط فضایی/جنسیتی متعادل و پایدار، یعنی نیل به فضاهای امن، سالم و بانشاط برای همه و به خصوص زنان تحقق نیافته است تغییر هنجارهای اجتماعی/فرهنگی مبتنی بر تقسیم جنسیتی فضاها یک ضرورت است و اهمیت سازماندهی و برنامه‌ریزی فضایی در جهت ایجاد فضاهای متعادل جنسیتی باید در نظر گرفته شود. در این پژوهش هم‌راستا با ادبیات گسترده‌ای که پیرامون ناامنی در فضاهای شهری در ایران و خارج از ایران تولید شده است، برخی سازوکارهای احساس ناامنی در فضای شهری مورد بررسی قرار گرفت که ماهیت روانی یا اقتصادی- فرهنگی دارند. طبق یافته‌های پژوهش امنیت، ماهیتی جنسیتی و طبقاتی دارد و بیش از هر گروه دیگری در اجتماع، به مردان طبقه مرفه اختصاص یافته است.

پیشنهادهای

1. به نظر می‌رسد در حال حاضر سیاست‌گذاران و سازمان‌دهندگان شهری در ایران یا نسبت به امنیت محیط شهری بی‌اعتنا هستند و یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، هنوز شناخت درستی نسبت به وجود این پدیده، معضلات ناشی از آن و شاید راهکارهای اصولی برای حل آن حاصل نکرده‌اند. این مسئله نشان‌دهنده فاصله میان سیاست‌گذاران و دانشگاهیان و پژوهشگران است؛ زیرا چنانچه در بخش پیشینه پژوهش نشان داده شد، ادبیات پیرامون امنیت در فضای شهری در داخل و خارج از کشور تولید شده و در دسترس است. در صورت وجود پل‌های تعاملی کارآمد، پژوهش‌های دانشگاهی می‌توانند نقش کلیدی در بهبود مقررات‌گذاری، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری عمومی ایفا کنند. مقررات‌گذاری، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مؤثر شهری بدون اتکا به پشتوانه‌های مطالعاتی و پژوهشی متناسب، مقدور نیست؛ بنابراین مدیریت تعامل مراکز مطالعاتی و پژوهشی با نهادهای تصمیم‌ساز در ارتقای کیفیت و عملکرد سیاست‌گذاری عمومی از اهمیت اساسی برخوردار است.



2. شواهد موجود در برنامه‌ریزی، طراحی و فراگردهای شهری حاکی است که بین مراکز پژوهشی و حوزه سیاست‌گذاری عمومی و اجرایی، ارتباط کارآمدی سازماندهی شده و نهادینه‌ای برقرار نیست؛ بنابراین اولین پیشنهاد، ایجاد مکانیسم‌های انتقال و ترجمه دانش برای استفاده در سیاست‌گذاری‌های شهری و فضایی در حوزه امنیت است.

3. در حوزه سیاست‌گذاری برای حضور بیشتر زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی (از جمله عرصه شهری) باید به مقوله امنیت زنان توجه اساسی صورت گیرد؛ چرا که وقتی در جامعه‌ای امنیت یا لاقط احساس وجود آن دچار خدشه و صدمه شود، یقیناً شاهد حضور کم‌رنگ خواهیم بود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تصمیم‌سازان جامعه با استفاده از نتایج پژوهش‌های میدانی و دانشگاهی اقدام به بررسی پدیده‌های اجتماعی کرده و شرایط بهینه اجتماعی را فراهم کنند. برخی از اندیشمندان در این راه به تبعیض مثبت اشاره کرده‌اند. برای نمونه فکوهی (1384) معتقد است که اگرچه تبعیض مثبت در کوتاه‌مدت نابرابرانه است، ولی با تعبیری غایت‌گرایانه به سمت ایجاد توازن و برابری میل می‌کند. به اعتقاد او، در مورد نابرابری‌های نامشروع و غیرقابل دفاعی که در توزیع امتیازهای اجتماعی وجود دارد، به دلیل این که امکان از بین بردن آن در روندهای طبیعی بازتولید وجود ندارد، نیاز به ایجاد تبعیض مثبت احساس می‌شود تا محرومیت ایجاد شده را به وضعیت عادلانه‌تری تبدیل کند (فکوهی، 1384: 117). تبعیض مثبت به خصوص در مورد مسائل زنان همواره مورد انتقاد طرفداران حفظ وضعیت موجود قرار گرفته است. ضمن این که اعتقاد به امکان عملی شدن آن در یک جامعه سنتی پدرسالار نیز دیدگاه بسیار خوش‌بینانه‌ای خواهد بود.

4. به نظر می‌رسد تأکید باید بیش از تبعیض مثبت به اعمال سیاست‌های برابری‌گرایانه‌ای باشد که با ایجاد سهمیه‌های برابر برای زنان و مردان مؤلفه‌های امنیت شهری و فضایی، شکاف موجود را در درازمدت تعدیل کنند.

منابع

- احمدی، محمد (1391). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن». فصلنامه علمی - پژوهشی زنان و جامعه، سال سوم، شماره چهارم.
- احمدی، یعقوب؛ اسمعیلی، عطا (1389). «سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چندبعدی و میان رشته‌ای در شهر مشهد». جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)؛ تابستان 1389، دوره بیست و یکم، شماره دوم (پیاپی 38).
- ارشدی، نسرین (1386). «طراحی و آزمودن الگویی از پیشایندها و پیامدهای مهم انگیزش شغلی در کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب - منطقه اهواز». (رساله دکتری روانشناسی صنعتی و سازمانی)، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بوزان، باری (1378). «مردم، دولت‌ها و هراس». (ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام (1387). «تیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی». (رساله دکتری)، دانشگاه اصفهان.
- پوتنام، رابرت (1380). «دمکراسی و سنت‌های مدنی». (ترجمه محمدتقی دل‌فروز)، تهران: نشر سلام.
- زاهدی، محمدجواد (1395) «مطالعه عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور غرب تهران)». فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره بیست و چهارم.
- حاتمی، علی؛ احمدی، بختیار؛ اسمعیلی، عطاء (1394). «بررسی عوامل مرتبط با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان (مورد مطالعه: زنان شهر کرمانشاه)». مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره چهارم، شماره سوم، زمستان 1394.
- خجسته‌مهر، رضا؛ غفاری، نسرین؛ کرایبی، امین (1389). «اسنادی ارتباطی به‌عنوان پیش‌بینی قوی موقعیت زناشویی زنان». مجله پژوهش‌های مشاوره، شماره سی و چهارم، تابستان 1389.
- خسروی، شهرام (1390). «مبارزه و بقا در خاورمیانه امروز». مجله انسان‌شناسی، شماره نهم، بهار و تابستان 1390.
- ریشه، گی (1391). «تغییرات اجتماعی». (ترجمه منصور وثوقی)، تهران: نشر نی
- ریتزر، جورج (1395). «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر». (ترجمه محسن ثلاثی)، چاپ هشتم، تهران: نشر علمی.



- شادی طلب، ژاله؛ وهایی، معصومه؛ ورمزیار، حسن (1384). «ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فقر و نابرابری در ایران/ فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار». مجله رفاه اجتماعی، شماره هفدهم، تابستان 1384.
- شارع پور، محمود؛ تقوی، سیده زینب؛ سلیمانی بشلی، محمدرضا (1391). «بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان در شهر آمل». مجله زن و مطالعات خانواده، شماره هفدهم، پاییز 1391.
- شارع پور، محمود (1389). «جامعه‌شناسی شهری». چاپ سوم، تهران: نشر سمت.
- شکوری اصل، شیده (1395). «ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)». پژوهشنامه زنان، سال هفتم، شماره دوم، تابستان 1395.
- صالحی، رضا؛ نعمتی، مرتضی؛ امان پور، سعید (193). «بررسی سازوکار تأثیرگذاری شاخص‌های سرمایه اجتماعی در حکمروایی مطلوب شهری با استفاده از Amos (مورد مطالعه: شهر نسیم‌شهر)». دوره چهارم، شماره اول، بهار 1393.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان (1384). «تحلیل مقایسه‌ای احساس امنیت اجتماعی اقتصادی مردم مشهد و کشور». مجله فرهنگ خراسان، سال پنجم، شماره سیزدهم، تابستان 1384.
- فکوهی، ناصر (1384). «سازوکار تبعیض مثبت به‌مثابه ابزار محرومیت‌زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران». پژوهشنامه زنان، دوره سوم، شماره سوم، صص 141-115.
- گروه مطالعات نظری دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی (1385). «مدلی برای تعیین شاخص‌های امنیت فردی (PSI)». مجله امنیت شماره اول و دوم، پاییز و زمستان 1385.
- گیدنز، آنتونی (1377). «تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید». (ترجمه ناصر موفقیان)، تهران: نشر نی.
- لاپتون، جولیا رینهارد (1380). «تراژدی و روانکاوی: فروید و لاکان». (ترجمه رفیق نصرتی)، مجله تخصصی هنرهای نمایشی، دوره اول، شماره هفتم.
- محمدی، زهرا (1386). «زنان سرپرست خانوار». تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- معیدفر، سعید (1384). «وضعیت فرهنگی - اجتماعی خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره). تهران: معاونت امور فرهنگی.
- نصری، قدیر (1390). «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت». مطالعات راهبردی، دوره چهاردهم، شماره پنجاه و چهارم، زمستان.
- نوروزی، فیض‌الله (1388). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان 15 - 19 سال شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن». مجله راهبرد، سال هیجدهم، شماره پنجاه و سوم، صص 159-139.

- نویدنیا، منیژه (1387). «تحلیل رابطه وضعیت رفاهی و امنیت اجتماعی؛ تحقیقی در شهر تهران». فصلنامه امنیت و نظم، دوره اول، شماره اول، صص 99-114.
- هومن، حیدرعلی (1384). «مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل». تهران: نشر سمت.
- انتظاری، علی؛ اسدپور، عهدیه؛ احمدی آهنگ، کاظم (1394). «احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش پلیس، (مورد مطالعه: شهر نور)». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره چهاردهم، زمستان 94.
- دلاور، علی؛ جهانتاب، محمد (1390). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره دوم، شماره بیست و هفتم، صص 73-95.
- Buzan, Barry (2000). security studies: beyond strategy, Retrieved 2011/19/07, from www.yorku. Ca/dmatimer/ security studies. Htm studies. Htm
- Clemente,F& Kleiman, MB (1997). Fear of crim in the United States: A Multivariate Analisis,Pennsylvania State University.
- Megowan, L. (1990). The determinant and consequences of female headedand Household”. Population conciland the international center for Research women.
- Moller, Bjorn, National, Societal and Human Security, Former ipra Security General (1997 -2000). paper.
- Mouffe, Chantal (2005). On the Political, Abingdon and New York: Routledge.
- Social Security Department of ILO, (2010).
- Tabakhnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). Using multivariate statistics (5th ed.), Boston: Allyn & Bocon.

Archive of SID